

مطالعات دینی در نظام آموزش عالی ایران

مهری بهار^۱

چکیده:

مسئله اصلی در این مقاله، شناسایی وضعیت آموزش دین در نظام آموزش عالی در دوره معاصر می‌باشد. بدین لحاظ سعی شده تا ضمن معرفی مراحل سه‌گانه (آموزش دین برای دینداری، آموزش رفتارهای دینی در جریان توسعه و دین به عنوان عنصر اصلی فرهنگ جدید) تحول آموزشی صورت گرفته در طی زمان بیان شده و به تفکیک سه نوع آموزش دین در نظام آموزش عالی اشاره شود. حوزه جدید مطالعات دینی به عنوان بخشی از مطالعات فرهنگی تلاش دارد تا به آموزش دین روزمره و زیست دینی که متن زندگی اجتماعی و فرهنگی مردم را تشکیل می‌دهد و در نظام آموزش عالی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، توجه کند. بدین لحاظ ضرورت توسعه و پردازش به رشته مطالعات دینی در میان مجموعه رشته‌های علوم اجتماعی برای فهم تجربه دینی مردم دینی ایران همواره احساس می‌شود. از این منظر است که مطالعه آموزش دین و دینداری می‌تواند تغییرات صورت گرفته در جامعه ما را تبیین و تفسیر نماید.

واژگان کلیدی: آموزش دینی، دینداری، مطالعات فرهنگی، مطالعات دینی، زیست‌دینی، مصرف کالاهای دینی

مقدمه

زندگی در جهان مدرن بر خلاف ادعای بعضی از سیاستمداران، متخصصان و صاحب‌نظران اجتماعی متأثر از نظریه‌نوسازی که باور به تعارض بین ارزش‌های دینی و دنیایی (سرمایه‌دارانه) مبتنی است، بر اساس صور گوناگونی از رابطه بین ارزش‌های دینی و توسعه‌ای سامان یافته است. به عبارت دیگر، بین ارزش‌های جهان مدرن امروزی با ارزش‌های دینی در ساخته شدن انسان و جامعه و فرهنگ معاصر پیوستگی تا تعارض وجود دارد. بدین لحاظ جهان اجتماعی و فرهنگی ایرانی متأثر از اندیشه و گرایش‌های دینی در متن جهانی است.

۱- استادیار گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران.

مطالعات دینی در نظام آموزش عالی ایران

فرقی که بین جهان امروز و دیروز وجود دارد، به نوع دینداری مردم و نوع رابطه بین ساختارهای سیاسی با ساختار دینی آن برمی‌گردد. بدین منظور دین ضمن این که عامل عمده ساماندهی حیات جمعی است، یکی از حوزه‌های اصلی شناخت فرهنگ ایرانی نیز است. با وجود این که در دوره جدید متأثر از اندیشه‌های سکولار، حوزه دین، کم‌اهمیت تلقی گشته است، همچنان مطالعه و بررسی رفتارهای دینی و تحولات در علوم اجتماعی از قبیل جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، فرهنگ و علوم سیاسی قابل اهمیت‌اند. بدین لحاظ است که اکثر علمای علوم اجتماعی، بخش عمده‌ای از مباحث و تحقیقات خود را در حوزه دین (تحقیق، مطالعه، آموزش و ارزیابی) تحت عنوان جامعه‌شناسی دین، مردم‌شناسی دینی، روان‌شناسی دین، فلسفه دین و غیره.. اختصاص داده‌اند.

در علوم انسانی و اجتماعی که وظیفه آن، مطالعه و شناخت دقیق و عالمانه زندگی مدرن است، یکی از حوزه‌های اصلی معطوف به دین‌شناسی است که در چند دهه اخیر با تغییرات عمده‌ای رو به رو شده و حوزه جدیدی نیز در مجموعه مطالعات فرهنگی تحت عنوان «مطالعات دینی» شکل گرفته است. این حوزه در کنار مطالعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد و رشد کرده است.

در این مقاله ضمن معرفی حوزه مطالعات فرهنگی بحث و بررسی در مورد آموزش دین در نظام آموزش عالی ایران است. مطالعات دینی به عنوان بخشی از مطالعات فرهنگی با صبغه میان‌رشته‌ای خود توانسته است نقش بسزایی در فهم فرهنگ معاصر داشته باشد. دغدغه مطالعات فرهنگی با نگاه بین‌رشته‌ای خود، شناخت راه و روش و شیوه‌های زندگی مردم در قالب فرهنگ روزمره ((everyday life، فرهنگ مردم‌پسند (popular culture و فرهنگ نخبگان (elites) در ارتباط با منافع فرهنگ‌ساز خصوصاً رسانه‌های توده‌ای (mass media) که منشأ تولید فرهنگ توده‌وار می‌باشند، است. (استوری ۱۳۸۶: ۸۳) بنابراین اگر دین را به عنوان بخشی از فرهنگ معاصر مطالعه نماییم، یکی از وظایف حوزه مطالعات دینی، فهم امور دینی از یک سو و از سوی دیگر بررسی میزان تغییرات در نگرش و رفتارهای دینی در زیست روزمره آن‌هاست. با توجه به فهم جایگاه این حوزه، بیان توصیفی از وضعیت آموزش دین و مطالعات دینی در مراکز آموزشی از جمله دانشگاه‌ها و مشکلات و تنگناهای پیش روی آن نیز مورد نظر است. از اصلی‌ترین مشکلات عبارتند از:

- ۱- عدم تفکیک بین آموزش دین برای دینداران و آموزش وضعیت دینداری در ایران.
- ۲- عدم توجه به دین به عنوان آموزه‌های الهی از آموزه‌هایی که معطوف به زندگی دینی و اجتماعی بوده است.

دین در علوم اجتماعی معاصر

برای دریافت وضعیت آموزشی مطالعات دینی لازم است تا محل و موضع این حوزه در علوم اجتماعی و انسانی (از جمله مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی) معلوم گردد و ضمن بیان سابقه آموزشی آن و بیان مشکلات و نارسایی‌ها، راه‌حل‌های ممکن برای رهایی مطالعات دینی از بحث‌های سیاسی و ایدئولوژیک ارائه شود. موضوع مردم‌شناسی دینی، مطالعه و ملاحظه رفتارهای دینی در آیین‌های متفاوت است که از جمله موضوع آن می‌توان به ارتباط بین دین و آزادی، اهمیت منشأ دین، مطالعه مقایسه دین منفعل و دین فعال، سطوح متفاوت رفتارهای دینی در دنیای امروز، توسعه و دین سنتی، آینده ادیان بزرگ، دین مدرن و دین عقلانی اشاره نمود. (تولقا وارنیر، ۱۹۹۷). جامعه‌شناسی دینی به مطالعه تاریخ ادیان و آثار محققانی چون دورکیم، زیمل و وبر، بررسی جنبش‌های دینی جدید، دین و تجدد، تعریف و معنی دین و نحوه تفسیر دینی از جامعه می‌پردازند (ویلیم، ۱۳۷۷).

در جامعه‌شناسی دینی از «دین عامه» بحث می‌شود. دینی که به دلیل آیین‌های مدون و منظم از سازمان‌های دینی و روحانیت رسمی و حرفه‌ای متمایز می‌گردد. دین عامه، دین رایج که خصلتش نسبتاً بی‌شکلی، نامنظم بودن و فوق کلیسایی است. (توسلی ۱۳۸۰: ۳۵). دین عامه با تجربه^۱ و با (vrighof). دین عامیانه، فاقد ساخت رسمی است. (توسلی ۱۳۸۰: ۳۵). دین عامه با تجربه^۱ و با زیست عمومی سر و کار دارد. معمولاً در گذشته آموزش دین چه در مدارس و چه دانشگاه‌ها، بحث از احکام، فقه و طرق تعبد و پیروی از احادیث دنبال می‌شد و بحث از تجربه دینی و حس مذهبی و شرایط آن مسکوت می‌ماند. زیست دینی، معطوف به زندگی روزمره است.

مفهوم نمادین از دین با مطالعه الگوهای معنایی از آن که دین به منزله جهانی نمادین معرفی می‌شود، در آثار گیرتز نمایان است. دین رسانه‌ای و رسانه‌ای شدن دین که مور از آن با نام صنایع رسانه‌ای در کالایی کردن فرهنگ نام می‌برد (همان ۱۳) نیز از آن جمله است. برخی از متفکران چون هورسفیلد (۱۹۸۴) در باره تلویزیون دینی بحث می‌کنند. برخی از مؤلفان و محققان حوزه دین (به عنوان نمونه باره‌ایم لاندبای) در باب تبیین نظری مناسب در جامعه

۱- شلایر ماخر، اولین بار بحث تجربه دینی را مطرح نمود. وی بیش از آن که بر جنبه عقلانی دین تأکید کند، بر جنبه احساسی دین تأکید می‌کرد و معتقد بود دیانت نه علم است و نه اخلاق؛ بلکه عنصری است در تجربه احساسی (مایلز ۱۳۸۰ مقدمه کتاب). رودلف اتو (۱۹۳۷-۱۸۶۹) و ویلیامز جیمز (۱۹۱۰-۱۸۴۲) نیز به اهمیت احساس وابستگی و ارتباط شخصی با خدا که از طریق تجربه دینی به دست می‌آید، اشاره می‌کند. (همان) بنابراین تجربه دینی که هر انسانی می‌تواند ارتباط با خدا داشته باشد که متعلق آن می‌تواند متون مقدس ادیان، خدا یا موجودات فوق طبیعی یا پدیده‌های روحانی، پاره‌ای از حوادث که خداوند در آن دخالت بی‌واسطه داده باشد. (همان)

صحبت می‌کنند (همان)، متأثر از اندیشه امیل دورکیم و ویکتور ترنر و دیگران می‌باشند. شناسایی این منابع برای مطالعه دینی لازم می‌باشند. ثبت برنامه‌های مذهبی و مناسک دینی و رفتارهای دینی، ارتباط بین دین و رسانه، تلویزیون دینی و مباحثی از این قبیل از موضوعات دیگر مطالعات دینی محسوب می‌گردند.

جایگاه مطالعات دینی در نظام آموزش عالی

مطالعات دینی طرح اجمالی از یک حوزه بین‌رشته‌ای است. یک مطالعه سکولاری از مذهب که تاریخ آن به اواخر قرن نوزده در اروپا (به عنوان مثال کارهای اولیّه محققانی چون فردریش ماکس مولر در انگلیس) می‌رسد. این مطالعه به وسیله محققان در حال حاضر در همه جای دنیا انجام می‌شود. ماکس وبر به عنوان یک جامعه‌شناس در کتاب *اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری* به دین از منظر اقتصادی نگاه می‌کند. امیل دورکیم نیز در کتاب *صور بنیادین و حیات دینی* به مطالعه ادیان باستانی می‌پردازد. ماکس مولر در کتابی به نام *مقدمه‌ای بر علم دین* (۱۸۷۳) به تحلیل دین می‌پردازد. مطالعات دینی از علم الهی که تأکیدش بر جامعه بشری و رفتار بشری بیش از متافیزیک است متمایز می‌گردد و روش شناسی آن با روش شناسی مردم شناسی، فلسفه، و تاریخ مذهب یکی می‌باشد. برخی مانند میرچا الیاده به تاریخ مذهب علاقه‌مند است و آن را به عنوان علم دین شناخته است. (از اواخر ۱۹۸۰-۱۹۶۰)

مطالعات دینی (شاخه‌ای از مطالعات فرهنگی) فصل مشترک بین جامعه‌شناسی، مردم شناسی و الهیات و نشانه شناسی می‌باشد. اهمیت فرهنگ و مباحث فرهنگی در این حوزه، محققان برجسته‌ای از این مرکز را متعهد ساخت تا بحث فرهنگ را به هر طبقه، گروه و جامعه‌ای که بنا به شرایط هستی خود آنرا تجربه و تفسیر می‌نماید، تعریف کند. (هال: ۱۹۸۲)

مطالعات دینی، همان مطالعه شناخت دین است؟ و آیا برای مطالعات دینی، ضرورت شناخت احکام فقهی و مسائل مربوط به مواردی تعبدی لازم است؟ در علوم اجتماعی کدام یک از دو سؤال فوق، مرکزیت دارد؟ مطالعات دینی در کجای بحث مطالعات فرهنگی مطرح می‌شود؟ آیا موضوع آن، انتقادی و نقد دینی است که در نتیجه، آن را از حوزه معارف دینی و اسلامی و بحث تاریخ دین و اخلاق دینی جدا می‌سازد؟ روش این نوع مطالعه، توصیفی (مثل مردم‌شناسی) دائره‌المعارفی، مدرسه‌ای، آموزشی و یا تلقینی و یا روش کیفی است؟ کدام یک از مسائل زیر در این حوزه مطرح می‌شود؟ مردم چه چیزی را در قالب دین مصرف می‌کنند؟ قضاوت آن‌ها درباره مراسم و پیامدهای دینی‌شان چیست؟ سبک‌ها، سلیقه‌ها و انتظارات آن‌ها چه تأثیری در نوع فرهنگ دینی آن‌ها دارد؟

به تأسی از مطالعات فرهنگی دو امر در مطالعات دینی مهم می‌باشد: زندگی روزمره دینی و فرهنگ عامه دینی. دین به مثابه «مرام و سبک زندگی در مطالعات دینی مهم می‌باشد. راه و روش زندگی روزمره و دینی افراد، نوع مصرف مردم از دین، فرهنگ دینی فرادستان، فرودستان، دین سنتی، دین مدرن، موسیقی دینی، سمبل‌های دینی، تجربه دینی، رابطه اوقات فراغت و دین، تغییرات دینی و الگوهای زندگی روزمره دینی و... غیره از مباحثی است که در این حوزه مورد توجه قرار می‌گیرند. رسانه‌ای شدن فرهنگ که تامپسون (۱۳۷۸) در کتاب **ایدئولوژی و فرهنگ مدرن** توضیح می‌دهد به نحوی به موضوع رسانه دینی، دین رسانه‌ای، تولیدات دینی جدید، صنعتی شدن دین، رابطه تکنولوژی و دین، فرهنگ مصرفی مربوط می‌شود.

مکتب بیرمنگام نیز تحقیقات خود را با مطالعات فرهنگی پی گرفت و مباحث جدیدی در باب دین و رابطه بین دین با رسانه و با فرهنگ در این مرکز مطرح گردید. کارهایی که برخی از محققان در حوزه دین انجام دادند، منشأ شکل‌گیری مباحث جدی در حوزه دین و در نهایت شکل‌گیری مطالعات دینی گردید. به عنوان مثال ریچارد هوگارت در کتاب **کاربردهای سواد** (۱۹۵۷) به نقش دین در زندگی طبقه کارگر می‌پردازد. اثر استوارت‌هال و تونی جفرسون که از همکاران برجسته این مرکز بودند که به تبیین پدیده مقاومت از طریق مناسک (۱۹۷۶) در میان خرده‌فرهنگ‌های جوانان کشور انگلستان پس از جنگ جهانی دوم پرداختند، نیز حکایت از توجه به موضوعات دینی را به طور جدی بیان می‌دارد. (هوور ۱۳۸۲: ۱۲)

بنابراین بحث دین فقط به مطالعه و شناخت صرفاً دین و مفاهیم آن محدود نمی‌گردد. مطالعات دینی خود را متعهد می‌داند که به دین روزمره و فرهنگ روزمره دینی و متن جامعه توجه نماید. این امر، مستلزم آن است که کمتر به ارزیابی دین رسمی بپردازد که به بازتولید نظام سیاسی و اجتماعی (هژمونی) می‌پردازد؛ و به دلیل قدرت تعیین‌کننده‌ای که دارد از اختیارات بیشتری برخوردار است که اغلب امتیازات خود را به رسانه به عنوان ابزار تولید واگذار می‌نماید.

نتایج محصور نمودن مطالعات دینی به این امور به منزله آن است که می‌بایست به مطالعه دین عامه و متن دینی جامعه برگشت نمود، نه دین روشنفکری و دین سنتی که به واسطه مدافعان دیندار جامعه (روحانیت) تقویت می‌شود. در نگاه رسمی به دین، آموزش دین جنبه یک‌سویه و اغلب تلقینی و مستقیماً تبلیغی پیدا می‌کند (محمدی ۱۳۸۲: ۱۳۷). به همین منظور است که برنامه‌های مذهبی از نظر شکل و محتوا اغلب صورت رادیویی پیدا کرده است. به عبارتی، تکیه بر گفتار و خطابه دارد. یک نفر سخن می‌گوید و دیگران منفعلانه به آن گوش می‌دهند. (همان)

تحول آموزش دین

آموزش دین در طی سال‌های گذشته در کنار سایر دروس دیگر در ایران طی چندین مرحله صورت گرفته است: اولین مرحله، آموزش برای دفاع و شناخت از دین و مباحث آن است. به طور خاص می‌توان به آموزش کتاب‌های آموزش دینی در مقطع متوسطه آموزش و پرورش اشاره کرد. دومین گام، آموزش توسعه‌ای و بررسی وضعیت دینی جامعه با استفاده از روش‌های علمی و تجربی آن است. به طور خاص می‌توان به کتاب‌هایی اشاره کرد که در باره رابطه دین با جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه و تاریخ مذهب نوشته شده است. سومین مرحله، آموزش دین به عنوان حوزه‌ای فرهنگی است. در ادامه به بیان اجمالی از این مراحل می‌پردازیم:

۱ **مرحله اول**. در این مرحله هدف آموزش دین برای دفاع از دین به واسطه دینداران است. در این آموزش چندین ویژگی و اصل دارای اهمیت می‌باشد که عبارتند از:
(۱) دینداران به آموزش دینی می‌پردازند. آموزش دینی شامل مفاهیم دینی، اعتقاد به خدا و روز قیامت و مناسک دینی از قبیل نماز، روزه و حج (باقری ۱۳۸۴:۸۶۷) و ارتقای زندگی از طریق دین می‌باشد.

(۲) در این نوع آموزش فرض، آن است که مخاطبان دیندار و آموزش‌دهندگان نیز از افراد دیندار می‌باشند. آموزش‌دهندگان «متألهان» و آموزش‌دیدگان «مذهبیون» می‌باشند.
(۳) دامنه آموزش دین، معین شده است. آموزش مقدمات، کسب معرفت دینی و در نهایت کسب تخصص در حوزه خاصی است که الزاماً به دفاع از دین از طریق آموزش دینی است.
(۴) آموزش‌دهندگان در مراکز دینی، حوزه‌های علمیه، مستقر شده‌اند و بر اساس سلسله مراتب علمی به انجام این آموزش می‌پردازند.

۲ مرحله دوم

در این مرحله، ترکیبی از آموزش دیندارانه و تجربه‌گرایانه مورد صورت گرفته است؛ زیرا هدف اصلی در این مرحله در کنار آموزش رسمی و مستقیم دینی، آموزش و شناسایی موانع آموزه‌های دینی در جریان توسعه و نوسازی به طور مقایسه است. مدعیان حوزه دین و توسعه و تغییر به طور تعاملی و پیوسته با یکدیگر به آموزش می‌پرداخته‌اند.
در این مرحله معرفی و آموزش متون دینی برای شناسایی عناصری که در راستای تغییر جامعه و فرهنگ در مقایسه با وضعیت گذشته که سنتی و عقب مانده است، صورت می‌گیرد. بدین لحاظ مدافعان و مخالفان نقش‌آفرینی دین در جریان توسعه اجتماعی و اقتصادی مطرح و اشاره به عبارت‌ها، تجربه‌ها و شواهد تاریخی در متون دینی می‌شده است.

سؤالات اصلی مدافعان دینی توسعه عبارت بوده است: چگونه و تحت چه شرایطی از آموزه‌های دینی می‌توان برای توسعه بهره گرفت؟ دین چه رابطه‌ای با ساختارهای اجتماعی و با سایر علوم دارد؟ آن‌ها سعی دارند تا شواهد روشنی برای دفاع از توسعه به لحاظ دینی ارائه داده و ضمناً به مطالعه آسیب‌شناسی دین نیز بپردازند. بدین لحاظ است که در میان این افراد بعضی‌ها خود را متعهد به پالایش معارف دینی کرده‌اند. به طور خاص می‌توان از افرادی چون مرتضی مطهری و علی شریعتی یاد کرد.

۳ مرحله سوم

در مرحله سوم، مطالعه و تحقیق در مورد دین و رفتارهای دینی به عنوان عرصه‌ای از فرهنگ و آن چه مردم با آن زیست می‌کنند، مهم شده است. اگر مؤلفه‌های فرهنگ عامه را موسیقی، ادبیات، هنر، فیلم، کتاب (استوری ۱۳۸۶) بدانیم، لذا موضوعاتی که به طریقی به رابطه دین با این موضوعات می‌پردازد، مهم می‌باشد. مطالعات دینی از این منظر می‌تواند به طور مستقل در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی شکل بگیرد و افراد دارای تخصص بدون گرایش‌های دینی به آموزش تغییرات دینی و نحوه عمل دینی افراد بپردازند. جامعه‌شناسان، مردم‌شناسان، روان‌شناسان، متخصصان رسانه‌های جمعی و اندیشمندان حوزه مطالعات فرهنگی و دینی با روش‌های دقیق می‌توانند به طرح سؤالات و نکات عمده در این زمینه بپردازند. بنابراین اصل توجه به دین و آموزه‌های آن، اشاعه دینداری نیست؛ بلکه شناسایی وضعیت دینداری می‌باشد.

به تاسی از این سه مرحله، اغلب مطالعات دینی صورت گرفته در ایران بر اساس چارچوب‌های نظری مارکسی و بری، دورکیمی، دیدگاه انتقادی و مطالعات فرهنگی و پُست‌مُدرن انجام شده است. روش مطالعات دینی بر اساس روش مطالعه تاریخی، روش‌های انتوگرافی، تحقیق کیفی و به طور خاص تحلیل متن و تحلیل روایت می‌باشد.

آموزش مفاهیم و نظریه‌های مطرح در این حوزه به طور رسمی از طریق کلاس درس و تهیه مقاله و کتاب انجام می‌شود. همه افراد بدون توجه به گرایش سیاسی و دینی‌شان می‌توانند با حفظ قواعد و باور به‌اندیشه علمی به نقد و بررسی در این حوزه بپردازند.

به لحاظ این که در حوزه مطالعات فرهنگی و دینی، بیشترین توجه به آموزش دین در نوع دوم و سوم می‌باشد، مسأله اصلی، آموزش دینداری نیست؛ بلکه شناسایی وضعیت دینداری در ایران می‌باشد. در این مرحله، لازم است در آغاز به بیان وضعیت دین در علوم اجتماعی پرداخته و در نهایت ضمن بیان وضعیت مطالعات دینی مرتبط با مطالعات فرهنگی، الزام‌های آموزشی آن شمرده شود.

تحوّل از آموزش اعتقادات به رفتار دینی در نظام آموزش عالی ایران

آنچه آموزش علوم دینی در آموزش و پرورش را از دانشگاه و حوزه متمایز می‌سازد، (آموزش) مدرسه‌ای بودن آن می‌باشد که کمتر حوزه نقد دینی در آن صورت می‌گیرد. نقد همراه با نوعی بازبینی بر رفتارها، مناسک و آیین‌های دینی که در چند سال اخیر در دانشگاه (به شکل پایان‌نامه، کتاب و مقاله) از طرف محققان پژوهشگران و روشن‌فکران دینی (در مطبوعات بیشتر و در رادیو و تلویزیون کمتر) صورت گرفته، ناشی از این نوع نگاه جدید به حوزه مطالعات دینی است.

با وجود فضای جدید در دانشگاه‌ها، نقد دینی به لحاظ ممنوعیت‌های عرفی و شرعی بالنسبه، ضعیف و کمتر بوده است. فضای حاکم بر آموزش و پرورش بیشتر بر شناخت دین، احکام و باورهای آن تأکید و کمتر از مباحث مبتنی بر دین کارکردی و اجتماعی که باز نمود تجلّیات جمعی دینی می‌باشد، استفاده شده است. اغلب این گونه معارف یک‌سویه و جنبه آموزشی پیدا کرده است تا یک مطالعه انتقادی.

مطالعات فرهنگی، یک نگاه و حوزه بین‌رشته‌ای تعریف شده است که مباحث دین را در شبکه فرهنگ مطالعه و مباحث آن خصلت فرهنگی یافته است. مطالعات دینی هم نگاه سنتی به دین دارد و هم نگاه مدرن. در این مطالعه، رسانه‌ها، سهم مهمی دارند و اغلب جانشین واسطه‌های سنتی تلقی می‌گردند. (شریعتی ۴: ۱۳۸۵)

در حال حاضر مطالعات دینی عنوان یکی از درس‌های مطالعات فرهنگی است و به ارزش دو واحد اختیاری در دوره کارشناسی ارشد تدریس می‌شود که به جایگاه دین در حوزه عمومی و خصوصی می‌پردازد. فرهنگ مصرفی و مصرف کالاهای دینی از مثال‌های مورد بررسی و بارز در این حوزه می‌باشد.

مطالعات دینی الزاماً به نیک بودن و یا شر بودن مباحث دینی نمی‌انجامد و اصراری بر این مسأله نیز ندارد. به عبارتی، مطالعه دین به گونه مستقیم و به صورت فقط آموزش یک‌طرفه نمی‌باشد. به همین منظور است که مطالعات دینی گاه مفهوم ضد دین و یا غیر اجتماعی بودن دین «سکولاریسم» را تولید می‌نماید. گاه نتایج ناخواسته این مطالعه، نگاه کارکردی به دین را که باعث انزوای دین و حرکت به سوی دین خصوصی و فردی می‌باشد، تولید می‌نماید. این نتایج، گاه واکنشی است به تلقی سنتی از دین که الزاماً به آموزش یک‌طرفه دین و مسدود شدن دیالوگ‌های جدید و تعامل گونه در باب دین انجامیده است.

مطالعه دینی با دو نگاه و دو دوره تاریخی صورت گرفته است: (۱) در دوره اول (قبل از توجه به مطالعات فرهنگی در ایران ۱۳۸۳) توجه به دین بر اساس تجربه‌های متفاوت در

رشته‌های مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و علم ارتباطات اجتماعی انجام می‌گیرد. (۲) مطالعه دینی به مثابه بررسی رفتار و منش دینی و بعضاً نقد دینی در جامعه و فرهنگ ایرانی. مطالعات دینی در ایران نیز در چند سال اخیر از هر دو منظر بالا مورد مطالعه قرار گرفته است. به نظر می‌رسد بخش نقدگونه این حوزه با نقد ارزش‌های دینی و رفتارهای دینی از جانب روشن‌فکران و محققان اجتماعی و بخش دیگر آن به مثابه ابزار شناخت مباحث دینی همچون آموزش‌های دینی در سطح مدارس و دانشگاه‌ها از طرف روحانیون و صاحب‌نظران دین مطرح شده است. لذا این مطالعه چه از حوزه نقد و رفتارهای دینی و چه از موضع شناخت دین و باورهای آن در آموزش و پرورش تحت عنوان معارف دینی، هدیه‌های آسمانی و فلسفه اسلامی و «دانشگاه‌ها تحت عنوان معارف اسلامی، تاریخ اسلام به تاریخ انقلاب اسلامی و اخلاق اسلامی به بحث می‌پردازد.

اشکالات موجود در آموزش دینی در ایران

مطالعه دینی به عنوان یک حوزه اصلی در آموزش ایران، تاریخچه طولانی دارد. از دوره ابتدایی تا پایان دبیرستان، دانش‌آموزان، درس‌هایی را تحت عناوین معارف اسلامی، تعلیمات اسلامی، تاریخ اسلام قرائت می‌کنند و از این طریق با مباحث دینی آشنایی ایجاد می‌شود. مطالعه جدی آن بعد از انقلاب اسلامی و از طریق رسانه و به خصوص در آموزش و پرورش، شدت بیشتری گرفته است و این توجه به لحاظ مطالعه و پژوهش آن هم در دانشگاه و از سوی استادان و دانشجویان و هم خارج از دانشگاه. به عنوان مثال حوزه‌های علمیه، سازمان تبلیغات، انجمن اسلامی‌ها مورد ملاحظه قرار گرفته است.

آموزش دینی و رسمی در ایران دارای چندین مشکل اساسی است که در ادامه به آن‌ها اشاره اجمالی می‌شود:

(۱) یکی از ویژگی‌های این نوع آموزش، مدرسه‌ای بودن دین در حوزه آموزش دینی است. همین امر دانشجویان را کمتر علاقه‌مند به دین و بعضاً بیزار از مسائل دینی ساخته است.
(۲) دیگر بی‌توجهی به تجربه و زیست‌دینی افراد می‌باشد. در حوزه دانشگاه تا اندازه‌ای این خلاء از طریق به چالش گرفتن بحث‌های دینی و طرح ارزش‌های سنتی به عنوان یک تجربه و احساس دینی، جبران شده است.

(۳) کم‌اهمیتی به تخصص و کسب تجربه در آموزش دینی. در مورد بحث‌های دینی اگرچه کتاب‌های زیادی نوشته است، در حوزه ارتباط دین با رسانه یا جایگاه دین در رسانه معمولاً مباحث آن از سوی کسانی مطرح شده است که یا تحصیلات آکادمیک در حوزه دین نداشته‌اند

و یا حوزه رسانه را به خوبی نمی‌شناسند. این، یکی از اشکالاتی است که در حوزه مطالعات و آموزش‌های دینی در ایران وجود دارد. خبرگی و تجربه حضور در آیین‌های دینی و مشاهده رفتارهای دینی، امر لازم در مطالعات دینی می‌باشد.

(۴) از اشکالات دیگر، این است که اغلب به دین به خصوص بعد از انقلاب اسلامی خصوصاً در دانشگاه به مثابه یک بحث ایدئولوژیک و آرمانی نگاه شده است. به این مفهوم که آموزش مباحث دینی الزاماً به تولید فرد معتقد و مؤمن نمی‌انجامد. به روایتی بحث‌های دینی به صورت یک اجبار ناخواسته درآمده است.

(۵) ایجاد بی‌علاقگی مخاطبان از بحث‌های دینی به لحاظ تکراری بودن آن. بحث‌های آموزشی در حوزه دانشگاه اغلب خسته‌کننده و بحث‌های دین رسانه‌ای و یا رسانه دینی به خاطر محدودیت‌های اجتماعی و سیاسی و دولتی بودن رسانه به حاشیه کشیده شده است. عدم این گونه بحث‌ها یک سری ضعف‌هایی را در فهم این مبحث و ارتباط تعامل گونه آن ایجاد نموده است.

(۶) بحث دین و بحث از مناسک و مراسم دینی اغلب به صورت بسیار فرمال مطرح گردیده و در بسیاری از مواقع به دلیل محدودیت‌های دینی، بحث شناخت دین به امری صوری و ظاهری تبدیل شده است. (نمونه مراسمی مذهبی که در ایام عزاداری به صورت یک مراسم تکراری، عادی و رسانه‌ای ارائه شده است).

(۷) دایره‌المعارفی بودن مباحث دینی که از نوع آموزش مستقیم آن نشأت می‌گیرد، یکی از مشکلات عمده در حوزه آموزش و پرورش و در دانشگاه‌ها می‌باشد. این مشکل در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی دین و مردم‌شناسی نیز به انحای دیگری وجود دارد.

آینده آموزش دینی در نظام آموزش عالی

برای معرفی مطالعه چهارچوب نظری در حوزه مطالعات دینی لازم است به بنیانگذاران دین از جمله معرفی آثار دورکیم وبر، زیمل، پیتربرگر و گیرتز پرداخته شود. تلقی ما از مطالعات دینی مطالعه یک سری تجربه و ملاحظه شیوه‌های زندگی دینی در قالب زندگی روزمره و فرهنگ دینی مردم در موارد متعدد فرهنگی و دینی در جامعه دینی ایرانی است. کاری که زمان زیادی می‌طلبد تا این تجربه به صورت مجموعه‌ای از موارد متعدد و دوره‌های متفاوت و نسل‌های جدید و قدیم گردآمده باشد؛ البته برای این نوع آموزش به دلیل حرفه‌ای نگاه نمودن به مباحث دینی، لازم است که کتاب‌هایی در این باب ترجمه شود. کتاب‌هایی در باب مطالعات دینی، جنبش‌های دینی، جهانی شدن دین و با نویسندگانی چون استوارت‌هال، پیتربرگر وایت

و غیره... که در حوزه دین کار کرده‌اند. چرا که اغلب کتاب‌هایی که در باب دین تا به حال نوشته شده و یا ترجمه شده است، از دید مطالعات دینی به آن نگاه نشده است. ما هنوز اطلاعات لازم برای ورود به مطالعات دینی را به دست نیاورده‌ایم. برای این کار لازم است که در ابتدا مطالعات فرهنگی به عنوان علم انتقادی، تجربی و جدید فراگرفته شود و به عنوان یک رشته دانشگاهی در کنار سایر رشته‌ها در نظر گرفته شود. لازم است از یک‌طرف مباحثی راجع به مصرف کالاهای فرهنگی و مطالعات دینی، مطالعاتی راجع به مد (مصرف مدهای دینی) مباحثی حول هویت و تفاوت نسلی (نسل دینی، نسل انقلابی، نسل جنگ، نسل بعد از انقلاب و مسائلی راجع به مطالعات اجتماعی زنان دینی و مسلمان و جوانان مسلمان مطالعه شود. از طرف دیگر بحث زیست دینی در این حوزه، مهم است که باید از متن جامعه، دین عامّه، مراسم و مناسک توده‌ای به دست آید. برای این کار توجه به خلاقیت‌ها در میدان تحقیق، زیست با فرهنگ مردمی و مشاهده رفتار و کنش کنشگران دینی به عنوان یک تجربه و حسّ دینی لازم است.

در مطالعات دینی هم‌چنین لازم است که بحث‌های تجربی و انتقادی در کنار بحث‌های آموزشی طرح گردد. مطالعه کیفی مبتنی بر دیدگاه تفسیری تفهیمی و بری از کنش کنشگران دینی لازم می‌باشد. چرا که در مطالعات دینی، عرضه نمودن مطلبی به عنوان آمار و ارقام و پرسش‌نامه به تنهایی کافی نیست. باید در مطالعه به بحثی تحت عنوان «دین عامّه» وارد شد. باید آن را لمس و تجربه نمود. به نظر می‌رسد کتاب‌هایی که در حال حاضر در این حوزه چاپ شده‌اند، کافی و به‌اندازه نیاز این رشته نمی‌باشند.

می‌بایست به سراغ تجربه دینی رفت. باید جایگاه مطالعات فرهنگی در ابتدا، سپس مطالعات دینی را که زیرمجموعه آن است، روشن نمود و جایگاهی را برای آن قائل بود. مطالعات دینی صرفاً به شناخت دین و احکام جاری در آن مقید و محدود نمی‌باشد؛ بلکه به دنبال فرایند تجربه دینی و دین عام رفته و آن را با مشاهده و تجربه خویش لمس نمود. نقد و تفکر دینی از آنجا ناشی می‌شود که سنت مدرسه‌ای در مطالعات دینی کنار گذاشته و یا بایی در کنار آن گشوده شود. بهتر است مطالعات دینی را کاربردی ساخته و با استفاده از نظریه‌پردازها و تبیین‌های فرهنگی (اگرچه غربی باشد)، از تجربیات ملموس دینی خود استفاده نمود. در حقیقت ما با واقعیتی به نام دین عامّه رو به رو بوده که نه دین سنتی است؛ یعنی، آنچه ارزش‌های سنتی و نظام ایدئولوژی حاکم بر آن را قبول داشته باشد و نه دین روشن‌فکری به آن معنا که به قالب‌ها و دیالوگ‌های روشن‌فکران محدود گردد. در عوض روز به روز با تبدیل این دو به دین popular رو به رو هستیم. در نحوه تولید دین عامّه‌پسند، کسانی مؤثر بوده و عوامل

ساختاری متعددی، سازنده این دین بوده‌اند. پرداختن به نحوه تولید این دین از منظر مطالعات دینی مهم می‌باشد. دین عامه‌ای که نه عقل و استدلال و سازمان و مدیریت می‌طلبد و نه مرجع آن فقه سنتی، طریق تعبدی و حدیث نبوی است. کسب تجربه دینی چیزی فراتر از هر دو دین و نتیجه آن دین عامه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی که در این مقاله دنبال شده است، شناسایی سرنوشت آموزش دین در نظام آموزش عالی ایران است. این موضوع در قالب چندین سؤال مطرح شد: سمت و سوی آموزش دینی در ایران چگونه می‌باشد؟ آیا آموزش دینی با آموزش مطالعات دینی در نظام آموزشی یکسان گرفته شده است؟ آموزش مطالعات دینی از گذشته تا زمان حال دچار چه تغییراتی شده است؟

در مقاله سعی شد تا به تمایز دو روش آموزش دین در نظام آموزش عالی توجه شود: آموزش دین برای تبلیغ و دفاع از دین و آموزش دین به عنوان بخش مهم فرهنگ که به صورت رشته مستقلی تحت عنوان مطالعات دینی مطرح شده است. ضمن بیان کاستی‌های این دو روش در مراکز آموزشی مثل دانشگاه‌ها و مراکز دینی، راهکارهایی برای بهتر شدن روند آموزش دین و رفتارهای دینی مطرح شد. از جمله راهکارها، برگشت به تجربه دینی و دین عامه می‌باشد که به تحقق مطالعات دینی انجامیده است. این حوزه، فقط به مدرسه و یک نوع مطالعه مدرسه‌ای، آموزشی و تلقینی القایی و تبلیغی صرف معطوف نیست، اذعان داشته باشیم که بررسی دین عامه، رفتارهای؛ بلکه کانون‌اندیشه‌ای خاص در نظام آموزش عالی است.

منابع

- ۱- آزاد ارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی» *مجله علوم انسانی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۵.
- ۲- برگر، پیتر (۱۳۷۳)، «بر خلاف جریان» ترجمه سیدحسین سراج‌زاده، *مجله کیان*، شماره ۴۴.
- ۳- برگر، پیتر (۱۳۷۵)، «غیردینی شدن، منشأ کثرت‌گرایی است.»؛ ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی. *نامه فرهنگ*، شماره ۲۴، زمستان.
- ۴- بیلینگتون، روزاموند و همکاران (۱۳۸۰)، *فرهنگ و جامعه*، ترجمه عزیدفتری. تهران: نشر قطره.
- ۵- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۰)، *جامعه‌شناسی دینی*، تهران: انتشارات سخن.
- ۶- دانشکده علوم اجتماعی (۱۳۷۴)، *فهرست دروس کارشناسی ارشد: رشته مطالعات فرهنگی*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، گروه ارتباطات.

- ۷- شریعتی، سارا (۱۳۸۵)، «دین عامه، دین خاموشی» *خبرنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۲۴.
- ۸- صادقی، رشاد (۱۳۸۵)، «آسیب‌شناسی دین‌پژوهشی» *روزنامه رسالت*، شماره ۵۹۳۵.
- ۹- هور، استوارت ام (۱۳۸۲)، *رسانه، دین و فرهنگ*. ترجمه مسعود آریایی‌نیا. تهران: انتشارات سروش.
- ۱۰- ویلم، ژان پل (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی ادیان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، انتشارات قلم، تهران.
- ۱۱- محمدی، مجید (۱۳۸۲)، *دین و ارتباطات*. تهران، کویر.

منابع لاتین

- 1Durkheim, Emile (1965), **The Elementary Forms of the Religious Life**. New York, Free Press.
- 2Geertz, C. (1973), **The Interpretation of Cultures**. New York: Basic Books.
- 3Hoggart, R. (1957), **The Uses of Literacy**. London: Chatto and Windus.
- 4Horsfield, P. (1984), **Religious Television: The American Experience**. White Plains. NY Longman.
- 5Laburthe, Ph and Warnier, (1993) J. P. **Ethnologie Anthropologie**. Paris, Presses Universitaires De France.
- 6Turner, V. (1986). **The Anthropology of Performance**. New York: Performing Arts Journal Publications.
- 7Weber, Max. 1964. **Sociology of Religion**. Introduction by Parson. E. Bischoff (Boston Press).